



۱۳۱

سوسیالیسم امروز

۱ شهریور ۱۳۹۹ - ۲۲ اوت ۲۰۲۰

iransocialist2017@gmail.com

سرروز: آزکیما

www.simroz.org

گفتگو با سلام زیجی

به مناسبت چهلمین سالگرد یورش وحشیانه
جمهوری اسلامی به جامعه کردستان

صفحه ۳

مجازات قرون وسطایی اعدام باید از بین برود!

صفحه ۱۷

جعفر عظیم زاده در اعتراض به انتقالش و آدم
ربایی نهادهای امنیتی دست به اعتصاب غذا زده

صفحه ۱۰

مبارزات کارگری به روایت چند تصویر

صفحه ۱۵-۱۶

جمهوری اسلامی ایران، خرافات و جنایات عاشورای حسینی

صفحه ۱۴

بحثی در باره اختلافات سیاسی و بحران درونی
حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومله)
و پیشنهاد راه برون رفت سوسیالیستی از آن بحران

صفحه ۱۸

گفتگوی مینا تهرانی با سلام زیجی در باره

۱- سالگرد یورش جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد سال ۵۸
۲- اعتصاب ۶۵ روز کارگران هفت تپه و اعتصاب
و اعتراض دیگر مراکزی کارگری و دورنمای آن مبارزات
"رای نیابردن" طرح تمديد تسلیحاتی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی
و سیاست سوسیالیستی در قبال این جدال خانوادگی سرمایه داران

برای نجات جان جعفر عظیم زاده و آزادی او علیه جمهوری اسلامی به میدان بیائیم

جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد
کارگران ایران و از فعالین جنبش
کارگری به دلیل رفتارهای ضد انسانی
جمهوری اسلامی در زندان رجائی شهر
دست به اعتصاب غذا زده است.
جعفر بدلیل مشکل قلبی و ریوی به
بیمارستان طالقانی منتقل میشود، اما
زندان بانان در روز ۲۶ مرداد بنا به
دستور قوه قضاییه رژیم، بجای
بیمارستان او را به سلول زندان رجایی
شهر منتقل میکنند.

این شرایط و همچنین نگرانی از مبتلا
شدن او به ویروس کرونا خانواده جعفر
عظیمزاده و همه ما را به شدت نگران
کرده است. جعفر عظیمزاده در اعتراض
به این رفتارهای غیرانسانی و تبعید به
زندان دیگر و عدم رسیدگی به وضعیت
غیر بهداشتی زندانها، اکنون در هفتمین
روز اعتصاب غذا، در وضعیت جسمی
و خیمی به سر میبرد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران رفتار
غیرانسانی و جنایتکارانه با جعفر
عظیمزاده و همه فعالین کارگری و
زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم می کند.
ما پیش آمدن هر گونه سرنوشت ناگواری
را برای عظیم زاده را به

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

برای نجات جان جعفر عظیم زاده و آزادی او علیه ...

حساب نقشه هدفمند ضد انسانی جمهوری اسلامی خواهیم دانست و مقامات قضایی رژیم را مسئول جان جعفر میدانیم!

حزب از کلیه شهروندان آزادیخواه و نهادها و تشکلهای کارگری می‌خواهد علیه فلدی رژیم و رفتار ضد انسانی اش با فعالین و زندانیان را گسترش دهند. جای عظیم زاده ها و عبدی ها و دیگر فعالینی که برای کسب مطالبات اولیه کارگران و جامعه مبارزه میکنند زندان نیست! این مقامات جمهوری اسلامی هستند که به دلیل ۴۱ سال جنایت و سرکوب و آدمکشی، و به دلیل اشاعه خرافه و فساد و دزدی باید بازداشت و در زندانها نگهداری شوند و در ملا عام محاکمه گردند.



از همه آزادیخواهان و کارگران می‌خواهیم برای نجات جان جعفر عظیم زاده و آزادی او متحدانه علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند، در عین حال از جعفر عظیم زاده اکیدا می‌خواهیم فوراً به اعتصاب غذای خود پایان دهد. فعالین کارگری و آزادیخواه ه ضمن ضرورت توجه به تندرستی و بقای فیزیکی خود در مسیر مبارزه ای که پیش رو دارند، باید از سنتهای نادرست مبارزه و اعتراض پرهیز نمایند و بیش از پیش به استقامت، اتحاد و اقدام جمعی موثر مبارزه برای تحقق مطالبات خود اقدام نماید.

جعفر عظیم زاده باید فوری آزاد گردد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
۱ شهریور ۱۳۹۹، ۲۲ اوت ۲۰۲۰
iransocialist2017@gmail.com



iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است. در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین سالگرد یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان

ایران را دست نخورده نگه دارند، با سیستم سرکوبش، با زندانهایش و با استثمار بی وقفه ای که حکومت پهلوی علیه طبقه کارگر می کرد و علیه آزادیخواهان به پیش می برد. می خواهم بگویم که جمهوری اسلامی برای این سر کار آمد که دقیقاً این انقلاب را قیچی کند و راه سیستم نظام پهلوی را منتها به یک شکل دیگری، با لباس اسلامی، به یک اسم دیگری ادامه بدهد. و این تعرض جمهوری اسلامی در ۲۸ مرداد که شما به آن اشاره می کنید در واقع در ادامه سرکوب کلیت آن پروسه انقلابی علیه نظام پادشاهی و در ادامه تعرض به کل آن انقلاب توسط جریان ارتجاعی اسلامی به رهبری خمینی بود.

تاریخ نگاران سالم و واقع بین نمی توانند یورش ۲۸ مرداد ۵۸ به جامعه کردستان را بدون کلیت روندی که در ایران افتاد در آن دوره در نظر بگیرند. این یورش قبل از کردستان از تهران شروع شد و قبل از تهران از کارگران شرکت نفت شروع شد و وقتی جمهوری اسلامی توانست به همت نیروهای مترجع دیگر، از جمله همان هایی که همین امروز هم زیر بال جنبش دوم خرداد و بعداً جنبش سبز رفتند، و یا جزو مجاهدین و نهضت آزادی و جبهه ملی و جریک اکثریتی و حزب توده آن دوره بودند، توانستند آن پروسه انقلابی را در بخش عمده ای از ایران سرکوب نمایند، کارگران را پس بزنند، مردمی که مسلح شده بودند خلع سلاح بکنند و بالاخره در یک پروسه ی یک ساله توانستند در شهرهای بزرگی مثل تهران و جاهای دیگر جا پای برای خود باز کنند، بدینترتیب زمینه یورش به مناطق دیگر از جمله کردستان نیز که تحت کنترل دولت نبود فراهم کنند و بدین ترتیب در کل کشور اعمال قدرت کنند.

در ادامه این روند ضد انقلابی و تسلط نسبی اش بر شهرهای بزرگ مانند تهران و غیره است که جمهوری اسلامی تحت عنوان "برقراری امنیت و مبارزه با اشراک" شروع کرد به بهانه گیری و تدارک حمله مسلحانه به مناطق کرد نشین. زیرا تا آن مقطع یعنی تا یک سال بعد از انقلاب ۵۷، جمهوری اسلامی نه تنها در کردستان نتوانسته بود که دستاوردهای انقلاب را پس بزند، بلکه به همت آزادی هایی که در آن جامعه به دست آمده بود، آزادی های سیاسی، آزادی تشکیل احزاب و فعالیت های متنوع دیگری که واقعا در آن جامعه و در آن تصویری که برای آن دوره می شود در نظر گرفت جامعه نسبتاً آزادی بود، و بسیار شکوفا گردید. این شرایط آزاد و انقلابی برای جمهوری اسلامی که مأموریت فوری اش شکست آن انقلاب و از میدان بدر کردن نیروهای حاصله از آن شرایط انقلابی از

ادامه ←

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام زیجی اکنون سالگرد چهلمین سال روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ است، که بنا به فرمان جهاد خمینی جلاد در آن تاریخ یورش وحشیانه نظامی به جامعه کردستان صورت گرفت. چرا چنین اتفاقی افتاد؟ چرا فرمان جهاد؟ چرا این همه کشتار و جنایت وحشیانه از جانب جریان خمینی و مزدورانش؟ این واقعه چه پیامدهای به دنبال داشت؟

سلام زیجی: یک نسل عظیم از انسانهای مبارز و مردم عادی در باره آن رویداد تاریخی حضور ذهن دارند و شاهدان عینی حقیقتهای آن دوره اند، و من نیز یکی از آنها هستم. در سال ۵۷ اتفاق مهمی بوقوع پیوست، که عبارت بود از وقوع یک انقلاب اجتماعی بر علیه نظام استبدادی و دیکتاتوری سلطنتی نظام پهلوی. در این انقلاب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران تا مرحله راندن شاه پیروز نسبی بدست آوردند، اما خمینی و جریان اسلامی مأمور شکست آن انقلاب و مخالفت با ادامه روند آزادیخواهی شدند رویداد ۲۸ مرداد و جامعه کردستان هم جزو تفکیک ناپذیر این حرکت و روند انقلابی به یادماندنی است. در همان دوره جمهوری اسلامی به همت کشورهای غربی زیر نور افکن قرار گرفت و شخص مرتجعی به نام خمینی را در بوق و کرنا کردند و به عنوان رهبر آن انقلاب به مردم تحمیل کردند و همان طوری که در جریان هستیم سرانجام متأسفانه آن انقلاب به آن هدفی که عبارت بود از آزادی، برابری و رفاه و خلاصی از زندان و اعدام و استبداد و کشت و کشتار، نتوانست برسد.

کشورهای غربی و جریانات ارتجاعی عملاً خمینی و اینها را جانشین سیستم پهلوی کردند و این نظام می بایست بخاطر پس گرفتن دستاوردهای انقلاب، به خاطر اینکه این انقلاب نرود تا ته خط، تا آنجایی که هدفش بود، می بایستی جلوش را می گرفتند، می بایستی از منافع و همان سیستمی که شاه بر سرش حاکمیت می کرد جمهوری اسلامی تحت عنوان و پوشش انقلاب و نماینده انقلاب با همین نام انقلاب را سرکوب کند و با همین نام پیشروی آن روند انقلابی و آن فرهنگ و فضای آزادی و رشد مطالبات و اینها را بگیرند. و می بایست نظام سرمایه داری در

لطفاً برای تماس مستقیم با دبیرخانه حزب
سوسیالیست انقلابی ایران تنها با این آدرس
تماس حاصل کنید
Iransocialist2017@gmail.com

نه به تحریم اقتصادی، نه به سیاستهای دولت امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان...



روز جهانی
کارگر گرامی باد

جمله کارگران و کمونیستها را بر عهده داشت بسیار خطرناک بود. از این نظر تصورشان این بود که این یک گوشه ای و سنگر مهمی از آن انقلابی است که آنها دارند پیش می زنند و می خواهند شکستش بدهند. از این زاویه بود که جمهوری اسلامی تدارک حمله به آخرین سنگر آن انقلاب را دید و این کار را نیز کردند. ۲۸ مرداد ۵۸ سر آغاز چنین یورشی به کردستان ایران بود. اقدام جنایتکارانه ای که تقریباً با اتکا به همان ارتش باقی مانده از شاه فراری داده شد و بقیه مزدوران تازه مسلح شده شان همزمان در ترکمن صحرا و مکانهای دیگری نیز شروع کرده بود.

نشینی کند و جامعه را ملیتاریزه کند و مستقر شود. منتها با این وجود واقعیت این است که میتوانیم به دلایل های مختلف و با فاکت های متفاوتی نشان بدهیم، به عنوان مثال تداوم اعتراضات هر روزه در اشکال مختلف و چندین بار دست بردن به اعتصابات عمومی علیه جنایات رژیم، نشان داد که جمهوری اسلامی اگر چه از نظر نظامی و سرکوب توانسته پیشرویهایی را در کردستان و یا در ابعاد ایران نیز بکند، منتها نسیم همان انقلاب و اهدافی که آن انقلابی که جمهوری اسلامی کمر به شکستش و نابودی اش بسته بود، کماکان در قلب و هدف و آرزوهای تک تک آن مردم جامعه باقی مانده و معضلات و مطالبات بیشتری علیه جمهوری اسلامه به آن افزوده شده است. به همین دلیل امروز در جامعه کردستان نه تنها آن سرکوب ها باعث عقب نشینی به کل جامعه نشده بلکه در ابعاد بسیار گسترده و اجتماعی جمهوری اسلامی مورد تفر عمیق بخش بسیار وسیعی از شهروندان است.

ادامه

واقعیت این است که نبرد بسیار سنگین و چه بسا خونین طبقاتی بین ما کارگران و سوسیالیستها و زنان و جوانان آزادیخواه با صف اوباشان حامی خرافه مذهبی و ملیگرائی و طرفداران نظام ظالمانه و کثیف سرمایه داری در چهار گوشه ایران در انتظار است!، ایران بعد از جمهوری اسلامی یا باید یک ایران سوسیالیستی و آزاد و مرفه باشد یا یک ایران باز هم متکی بر بربریت سرمایه داری و چه بسا به سوی جنگ و نزاع بی پایان شونیستی، مذهبی، و قوم پرستی در سراسر کشور. ماهمه شهروندان آزادیخواه را به انتخاب راه حل اول، یعنی انتخاب یک جامعه سوسیالیستی و نظام شورائی فرامیخوانیم!

(سلام زیجی)

در ۲۸ مرداد سال ۵۸، درست در شرایطی که بخشی از مردم در کردستان به عناوین مختلف از جمله در کوچ تاریخی که در مریوان صورت گرفت، و مردم آزاده در بانه و سنندج و خیلی جاهای دیگر نیز به آن کوچ پیوستند و هدف این کوچ این بود که بهانه ای دست جمهوری اسلامی ندهند و اعتراض کنند و بگویند: ما نه تنها این رژیم را نمی خواهیم، بلکه می خواهیم در یک فضای به اصطلاح مدنی و اجتماعی زیر بار این سرکوب ها نرویم و آزادی خودمان را حفظ کنیم و مانع این شدند که جمهوری اسلامی یک جنگ خونین را به شهر مریوان و منطقه تحمیل کند. در این شرایط و در آن اوضاع و احوال درست دو هفته بعد از این واقعه، ۲۸ مرداد پیش می آید و ۲۸ مرداد تبدیل می شود بر روز و شروع یک حمله ی خونین زمینی و هوایی که جمهوری اسلامی سازمان می دهد و از منطقه پاره و آن مسیرها شروع می شود و ادامه پیدا می کند. تا این مقطع یک جنگ بسیار نابرابر و یک حاکمیت زورگویانه مذهبی عقب مانده و ضد انسانی را همانند کل کشور به مردم کردستان و به اپوزیسیون آن جامعه نیز تحمیل می کند.

به دلیل ناتوانی احزاب ورهبران آن دوره در سازماندهی یک مبارزه و مقاومت توده ای و مسلحانه انقلابی ادامه دار که هم ممکن و هم زمینه بسیار زیادی داشت، اما اتکا صرف به سنتهای محدود ناسیونالیستی مبارزه در قالب "پیشمرگایتی" باعث گردید دامنه و قدرت فشار و اعتراض و دامنه آن مبارزه، حتی در شکل مسلحانه آن نیز علیه یورش رژیم ناکافی و محدود و ضعیف شکل بگیرد، و هم به دلیل سنگ اندازیها و سیاست "سازشکارانه" حزب دمکرات که بعضاً به اسکورت نیرویهایی مسلح جمهوری اسلامی هم منجر شد، و بلاخره و مهمتر از هر عاملی به دلیل قساوت و بیرحمی و جنایتها و کشتارهای که این رژیم در کردستان نیز مرتکب شد سر انجام توانست از نظر نظامی جامعه را سرکوب و اپوزیسیون مسلح را وادار به عقب

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان...

چپ و آزادیخواهی که از مراکز دیگر مثل تهران و خلی شهرهای دیگر آمده بودند و در همان سنگر آزادی و چپی آن زمان به فعالیت های خودشان در کردستان ادامه دادند و با رژیم جنگیدند. حضور این چپ "غیر کردی" به نقش و رادیکالیسم چپ در کردستان و کومله بطور اخص تاثیر مثبت و رادیکالتری گذاشت. این موقعیت در کردستان بزرگترین خطری بود که جمهوری اسلامی فکر می کرد بایستی بزند همانطوری که در شرکت نفت و دیگر نقاط کشور آنها را سرکوب کرده بود.

اوباش جمهوری اسلامی فکر می کرد بایستی برایش توطئه ای بچیند و نگذارد که کمونیزم و آزادیخواهی و اصلا آن خصلت و انگیزه ای که تحت پوشش یک انقلاب اجتماعی به پا خواست و حکومت سلطنتی را به زمین زد، آن روحیه مبارزاتی باقی بماند و آن نیروهای بر آمده از یک دوره انقلابی را بایستی بزند تا بتواند "نظام جمهوری اسلامی" خود را به آسانی جایگزین "نظام پادشاهی" کند. دولت وقت امریکا و غرب و ارتش باقی مانده شاه و زندانها و شکنجه گران دوران شاه هم آماده خدمت به "امام" در راه استقرارش بودند. و متاسفانه در این مسیر جمهوری اسلامی توانست موفقیت بوجود بیاورد و نظام فاسدش را جایگزین نظام فاسد پیشین شاه نماید و در این راه صدها هزار انسان مبارز و بی دفاع را سلاخی کرد.

سوسیالیسم امروز: شما فکر می کنید چرا این مقاومت در کردستان به این شکل علنی و مسلحانه و توده ای و تا به امروزش که ما داریم صحبت می کنیم جدا از تمام اعتراضات و مبارزاتی که در سراسر ایران هست، در کردستان در یک شکل دیگری مطرح است. دلیل این را شما چه می دانید؟ می خواهیم بگوییم چرا به این شکل حاد و اعتراضی و مسلحانه تا به حال در کردستان هست؟ ویژگی اش چیست؟

ادامه

یک فاکتور مهم دیگری را در آن رویداد تاریخی باید در نظر گرفت و آنرا با همه "تاریخ جنبش کردها" متفاوت تر کرده بود، بگونه ای که رژیم اسلامی نسبت به آن بسیار حساستر و وحشی تر عکس العمل نشان میداد و هم بخشی از نیروی خود "جنبش کردها" اعم از ملی گرایان و اسلاميون کورد. و بعضا جریان اسلامی و خمینی با آنها علیه این پدیده جدید در یک سنگر مستقیم و غیر مستقیم قرار می گرفتند. این پدیده جدید در شکل گیری یک مبارزه و مقاومت سر سختانه و حتی غیر قابل انتظار برای جریان خمینی نقش اول و رادیکالی داشت، بدون چنین پدیده ای "قافله" کردستان همان دوره لیبک فرستادن قاسملو به خمینی فاتحه ش خوانده میشد. هنوز هم این فاکتور کم و بیش یک ویژگی تاریخی نوین جامعه کردستان را نشان میدهد که برای همه طرفهای ارتجاع دولتی و غیر دولتی به یک معضل جدی تبدیل شده است. این مهم مسئله رشد و عروج کارگر و چپ و کمونیزم متشکل در جامعه کردستان بود. در پس آن تحولاتی که گفتم در ایران، جمهوری اسلامی قبل از هر چیزی تعرض کرد به کارگران و چپ و در ادامه علی العموم جریانات اپوزیسیون بورژوازی هم تحمل نکرد و زد. در کردستان در آن دوره یک ساله ۵۷-۵۸، بدون حضور کامل رژیم و سپس چندین سال در چند شهر و مناطق وسیع بدون امکان حضور جمهوری اسلامی ما فعالیت داشتیم و جامعه آزادی را تجربه کرد. به عنوان جریان چپ و کمونیستی جامعه که بعدا بیشتر در شکل کومه له و سپس همچنین در شکل حزب کمونیست آندوره در جامعه در بخشهای مختلف فعالیت داشتیم و مقاومت مسلحانه علیه رژیم سازمان دادیم، باعث گردد این جنبش به ظاهر و غیر واقعی "جنبش کردی" و یا "کردها" به جنبشهای متفاوت طبقاتی، حداقل دو جنبش کارگری و چپ، و ناسیونالیستی و اسلامی، در تار و پود جامعه و نوع مبارزه با رژیم و چگونگی حل مسئله کورد و غیره دوراه کاملا متفاوت و متضادی را طی کنند. به علاوه جریانات

زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی!

کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنها ای که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به "قوانین" دوران وحوش، و بخاطر مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار مینمایند سزاوار شدیدترین مجازاتها هستند. اقدام برای مجازات انقلابی-توده ای این مزدوران وحشی عادلانه ترین شکل برخورد جامعه علیه آنها است، و بدون تردید باید آنها را در همه نقاط کشور به اجرا گذاشت!

مردم آزادیخواه!، جوانان!

در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحدهای مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید.

برای همفکری و راهنمایی های لازم با آدرس مایلهای زیر میتوان تماس گرفت:

S_ziji@yahoo.se

Iransocialist2017@gmail.com

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

در مقایسه با بقیه ایران بنا به آن ویژگیها، جریان اسلامی خمینی و همراهان مزدورش فرصت پیدا نکردند به سرعت دستاوردهای آن انقلاب را پس بگیرند و خواست آزادی و برابری را خفه کنند. در نتیجه کارگران فرصت بیشتری برای رشد آگاهی خود و ایجاد تشکل ها و بنک های زحمتکشان و خیلی چیزهای دیگر بدست آوردند. احزاب امکان عروج و رشد پیدا کردند، ماشین تبلیغات اسلامی و دروغ گوئی های آنها حتی از کانال مزدوران چون مفتی زاده ها هم نتوانست جامعه کردستان را فاسد و مرعوب کند. در حالی که متاسفانه چنین فرصتهای کمتر برای بقیه ایران ممکن گردید. همان نفس اول شرکت نفت که شاهراگ آن انقلاب بود، که کلید اصلی بود برای سرنگونی حکومت سلطنتی، درست جمهوری اسلامی آنجا را زد. از داریوش فروهر گرفته تا بعدها بنی صدرش تا بقیه اش رفتند از اونجا شروع کردند و نگذاشتند مردم از آن فضای آزاد به وجود آمده خودشون را سازمان بدهند، آگاهی را به پیش ببرند و حزب تشکیل بدهند. ولی این امکان در کردستان وجود داشت. این فضا به وجود آمد و این یکی از دلیل های پایه ای این مسئله است.

یک جنبه ی دیگرش این بود همانگونه که اشاره کردیم جامعه ی کردستان نیز مثل هر جامعه ی دیگری دارای طبقات و احزاب مختلف و متضادی بوده و هست. جدا از سنت کارگری و کمونیستی جنبش ما، یک سنت بورژوازی هم در جامعه ی کردستان سابقه ریشه داری داشت. این سنت، سنت جنبش بورژوا- ناسیونالیستی کورد است. می شود بیشتر توضیح داد که هیچ وقت این جنبش ناسیونالیستی در سازماندهی این مقاومت انقلابی علیه جمهوری اسلامی دخیل نبود، بلکه همیشه در پای میز مذاکره و اسکورت ارتش و این جور چیزها بود. منتها با وجود این بالاخره آنها هم دنبال نقش آفرینی و سهم خواهی خود بودند از حکومت. و برای اینکه این سهم را بگیرند او هم جنبش خودش را سازمان می داد، او هم مسلح شد و اهرمهای فشار خود را سازمان داد. علاوه بر کمونیزم و جنبش کمونیستی کارگری، پا به پای آن یک جنبش ناسیونالیستی و بورژوازی کورد هم امکان برایش فراهم شد که خودش را سازمان بدهد و سرانجام کل جامعه کردستان تحزب یافته و مسلح شد. این ویژگیها با خود شرایط حاد و پر تلاطم تر، معترض تر و پر جنب و جوش تری علیه حاکمیت اسلامی در کردستان شکل بگیرد و همچنان ادامه دارد.

ادامه ←

یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه



سلام زیجی: چند تا ویژگی دارد مهمترین جنبه اش به نظرم همان است که بیشتر توضیح دادم: اکثریت مردم کارگر و زحمتکش جامعه ی کردستان دادم پا به پای کل کارگران و زحمتکشان ایران بر علیه هم حکومت استبدادی شاه و هم جمهوری اسلامی به پا خاستند، و این منشا ایجاد پل حمایتی و همراهی بیشتر شهروندان ایران را به همراه خود داشت. پیوستن گسترده غیر کرد زبانان به این مبارزه و مقاومت، ارسال انواع کمک های مادی و ارسال دارو به کردستان و دهها مورد دیگر گویای برخورداری جامعه کردستان از حمایت بی دریغ بقیه شهروندان در سراسر ایران بود. بدین ترتیب جمهوری اسلامی هر تبلیغات دروغینی در باره احزاب، نیروی مسلح و جامعه در کردستان میکرد نزد بیشتر شهروندان در کل کشور دود میشد و هوا میرفت. جمهوری اسلامی برای شکست انقلاب و قدرت گیری خود از تهران و قم و مشهد و... شروع کرد، اما همچنان که توضیح دادم یک پروسه ای چشم گیر حدود یک سال و اندی و بعدا در دوره ی دوم، که جنگ دوم نام گذاری شد، چندین سال جامعه کردستان بدون حضور جمهوری اسلامی تجربه آزادیهای سیاسی را لمس کرد، و این مسئله به ویژه وقتی یک جریان چپ و کمونیست و آزادیخواه رشد می کند و شکل می گیرد در آن جامعه و نقش ایفا می کند بلا واسطه به خود آگاهی کارگران تبدیل می شود و روحیه مبارزاتی را بالا می برد.

این مبارزه رادیکال کارگری و کمونیستی و وجود پارتیزانهای کمونیست در قالب 'کومله' قدیم یا چریک های فدایی و پیکار و غیره بود که توانست آن ویژگی را به کردستان بدهد و آنرا به "سنگر انقلاب" تبدیل کرد. طبعاً ویژگی دیگر و البته منفی این جامعه عروج ناسیونالیسم و ملی گرای افراطی با رهبری حزب دمکرات کردستان ایران بود. که اگر چه در مقاومت مسلحانه و مقابله با رژیم اسلامی در دوره های نقش داشتند اما در خیلی زمینه ها بر پیشروی جمهوری اسلامی در کردستان و عرض اندام مذهبی کمک کرد، و مرتب سرگرم لیبیک فرستادن و معامله با "امام خمینی" شان بوده و در جستجوی گرفتن امتیازاتی از حاکمیت برای شراکت در قدرت بودند نه چیز دیگری. آسیبی که حزب دمکرات در آن سالها به علیه رژیم اسلامی، به آزادیهای جامعه و به نیروهای چپ و کمونیست وارد کرد بنظرم زیاد کمتر از آسیبهای وارده جمهوری اسلامی به جامعه کردستان نبود!

این مبارزه رادیکال کارگری و کمونیستی و وجود پارتیزانهای کمونیست در قالب 'کومله' قدیم یا چریک های فدایی و پیکار و غیره بود که توانست آن ویژگی را به کردستان بدهد و آنرا به "سنگر انقلاب" تبدیل کرد. طبعاً ویژگی دیگر و البته منفی این جامعه عروج ناسیونالیسم و ملی گرای افراطی با رهبری حزب دمکرات کردستان ایران بود. که اگر چه در مقاومت مسلحانه و مقابله با رژیم اسلامی در دوره های نقش داشتند اما در خیلی زمینه ها بر پیشروی جمهوری اسلامی در کردستان و عرض اندام ارتجاع مذهبی کمک کرد، و مرتب سرگرم لیبیک فرستادن و معامله با "امام خمینی" شان بوده و در جستجوی گرفتن امتیازاتی از حاکمیت برای شراکت در قدرت بودند نه چیز دیگری.

آسیبی که حزب دمکرات در آن سالها به مبارزه ما علیه رژیم اسلامی، به آزادیهای جامعه و به نیروهای چپ و کمونیست وارد کرد بنظرم زیاد کمتر از آسیبهای وارده جمهوری اسلامی به جامعه کردستان نبود!

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان

باید اضافه کنم که وقتی جمهوری اسلامی حمله ی ۲۸ مرداد را سازمان داد، چه قبل و چه بعد از آن تاریخ، با خود دریائی



در صدد معامله و یا کمک کننده تداوم عمر این حکومت باشد و آنرا با وجود این تاریخ مملواز جنایت به مثابه حکومت مشروع "مردم" به رسمیت بشناسد از خود جمهوری اسلامی بیست تر و ضد مردمی تر است و باید آنها را نیز مجازات کرد. از اینرو هر گونه امیدی به این نظام جانی، هر گونه سرمایه گذاری احمقانه دوباره حول جناحهای رژیم و قول و قرارهای فریبکارانه آنها، هر گونه اتکای به نقش و سیاست دولتهای دیگر از جمله دولت جنایتکار امریکا برای رهائی از جنگ رژیم، و هر گونه تجسم آزادی و رهائی و خوشبختی از راه توهم پراکنی در قبال سیاست و عملکرد ایوزسیونهای چون سلطنت طلبان، مجاهدین، احزاب فدرالیستی کورد بورژوا همیشه سر بزیر جمهوری اسلامی و یکی از دولتهای سرکوبگر و یا اتکا به هر جنبش و نیروی ملی گرا و مذهبی در داخل یا خارج کشور، بدون برو برگشت به منزله استقبال از تدارک شکست مجدد و خانه خرابی و نابودی چند نسل دیگر از انسانهای تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت خواهد بود. مهمترین درس و تجربه مسود کردن این مسیر، ترد چنین احزاب و سیاستهای، و روی آوری جامعه به یک مبارزه متشکل و متحزب و قهر آمیز انقلابی و سوسیالیستی است!

در عین حال باید تاکید کرد که جامعه کردستان بدون رهائی کل جامعه ایران از جنگ جمهوری اسلامی هرگز رها نخواهد گردید، طرحهای فدرالی و استقلال و دیگر تخیلات مشابه در شرایط کنونی بجز پیچیده تر کردن مسیر آزادی و رفع ستم ملی و بجز خود فریبی هیچ سودی برای جامعه کردستان ندارد. و بلاخره باید تاکید نمایم که با مبارزه پیشمرگانه و تکرار و ادامه سناریوهای سنت احزاب ناسیونالیست کرد نیز بجز شکست چیزی نسبیب جامعه نخواهد شد. همینجا اعلام نمایم که هر حزب چپ و راست و یا هر فعال و عنصر سیاسی که چنین وانمود میکند ما در کردستان با یک "جنبش کردستان"، یا یک "جنبش ملی کرد"، یا با "جنبش کردها"، یا در بهترین حالت با ادبیات چپ ملی "جنبش انقلابی کردستان" و تعاریف ماورا طبقاتی و جعلی مشابه مواجه هستیم باید بدانیم اینها ناسیونالیستهای بسیار فریبکار و خطرناکی هستند و این تعاریف و مفاهیم شان درست مانند دولت مرکزی که از "میهن"، "منفعت کشور"، "ملت ایران" "مردم بزرگ ایران"، یا با بحث فرهنگ و مذهب و تاریخ دو هزار ساله ایرانی و جردن تمامیت ارضی کشور و غیره کلاه گشاد سر خلیبها میگذارند، اینها هم در کردستان برای تقابلهای با برادر بزرگتر زورگوشان در قالب دولت مرکزی با این مفاهیم جعلی به عوامفریبی روی می آورند و با زندگی مردم در معامله و سهم خواهی شان با دولت فاشیست اسلامی سوه استفاده نموده و خود را نماینده یک "ملت"

از جنایت و خون آفرید و این جنایت به تعمیق و گسترش نفرت اجتماعی از جمهوری اسلامی بیش از پیش افزود. هر چند این جنایتکاران در سراسر ایران جنایت آفریدند و همه جا کشت و کشتار بود. منتها ابعاد آن جنایات به دلیل فاکتور مقاومت و مقابله سیاسی- توده ای و مسلحانه به مراتب وحشیانه تر شد. جمهوری اسلامی هواپیما هایش را به آسمان می فرستاد و می زد و دیگر کاری به این نداشت که طرف مسلح است یا نیست. از کودک و پیر و جوان را تو روستا و شهر به خاک و خون کشید. جنگ ۲۴ روزه سنج و دهها هزار خمپاره شلیک کردن و ویران کردن منازل مردم بر سرشان، روستا به روستا و شهر به شهر در جامعه کردستان ما با چنین اقداماتی رو برو بودیم. همان وقتها که بحث خلخال جلا پخش گردید از جامعه کردستان شروع شد، وحشت و انزجار آفرید. این جنایات به پیروزی نظامی جمهوری اسلامی کمک کرد اما به دامنه تنفر از رژیم اسلامی عمق بیشتری داده است. وجود یک تنفر عمیق اجتماعی از یک حکومتی که با بی رحمی تمام من را می کشد، بچه ام را می کشد، جنایت رو سازمان می دهد، به هیچ چیزی رحم نمی کند و تازه اسم من و شما قربانی را هم "ضد انقلاب" و "اشرار" گذاشته، اسمش را عوامل پالیزبان گذاشته و یک دنیا دروغ کثیف از این نوع را سازمان می دهد، پاسدار و بسیجی با این تبلیغات سمی می برد مغز خر بهش میداد و آنها هم می آمدن میگفت میرویم در کردستان "شهید" می شویم، و در نهایت هم آنها به درک نائل میشدند و هم مردم بیدفاع زندگی و کاشانه شان ویران میگردید. سران مرده و زنده جمهوری اسلامی مسئول تمام این جنایت هستند و آخرش همه شان را مرده یا زنده محاکمه خواهیم کرد. زنده هایشان را به شدت مجازات خواهیم کرد، و بر روی گور مرده گان قاتل و جانی شان ضمن برگزاری مراسم محاکمه شان، بر مزار کتیفشان خواهیم نوشت ای جلا ننگان باد!

سوسیالیسم امروز: از نظر شما مهمترین درس این تجربه چهل ساله کدامند؟ و چه باید کرد؟

سلام زیجی: جمهوری اسلامی و تک تک مهرهای زنده و مرده شان بدون هیچ تردیدی آدمکش، مجرم و جانی هستند، و باید سرنگونشان کنیم و مجازات شوند! دست تک تک شان از اصولگرا و دوم خردادی و جنبش سبزی تا مفتی زادیها و دیگر کوردهای کاسه لیس و مزدور جمهوری اسلامی به خون کارگران، زنان، سالمندان، جوانان و کودکان رنگین شده است. باید همه شان را مجازات و محاکمه نمود. هر نیرو و حزبی که

ادامه

مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان...

معرفی میکنند، و اینکه گویا بجز ستم ملی بقیه هزار و یک درد و ستم واقعی تر و درد آورتر دیگر در این جامعه کشک است و معنی و مفهومی برایشان ندارد. باید از این سناریوهای دروغین و از دست جنبش و احزابی که به قدمت تاریخ "کوردها" بجز شکست و ناکامی و "خیانت" چیزی برای مناطق کرد نشین به ارمغان نیاورده اند خود را خلاص کرد و راه آزادنش و از ادیخواهانه ای در پیش گرفت.

نه فقط ساده ترین حقیقت مبتنی بر طبقاتی بودن آن جامعه مانند همه ایران و جهان، و وجود جنبشهای مختلف از جمله جنبش کارگری و ناسیونالیستی و مذهبی ضد همدیگر در آن جامعه، بلکه ما در کردستان نه با یک جنبش "کورد" بلکه با جنبشهای متفاوت از جمله جنبشهای ناسیونالیستی و مذهبی و کارگری و سوسیالیستی مواجه ایم. به همین ترتیب نه با یک راه حل برای رفع ستم ملی که با چندین راه متضاد برای حل مسئله کرد و رفع ستم ملی روبرو هستیم. کسی که اینها را منکر میشود

باید بدانیم یک کلاهبردار سیاسی بیش نیست! ادعای اینکه "همه کورد هستیم" و یک منفعت و یک آینده داریم به اندازه اینکه "همه ایرانی هستیم" و همه یک منفعت و آینده داریم یک دروغ شاخدار بسیار بزرگی است. مدعیان این پروپاگند بورژواها و ناسیونالیستهای کرد و فارس و ترک و بخش فاشیستی و افراطی این جنبش است که در تاریخ زندگی شان هزار بار باد آنها را به هر جهتی خواسته برده است و از جمله ناسیونالیسم کورد همواره شکست خود را به ناحق به شکست و ناکامی "مردم کورد" تبدیل کرده اند. در همین کردستان ایران همه میدانیم یک روز به خمینی لیبیک میفرستند روز دیگر با امریکا و مجاهد و سازگارا عکس میگیرند و روز بعد با بخشی از همین رژیم و بقول خودشان "جاشها"ی مسلح و غیر مسلح همصدا میشوند، و روزی دیگر باز دوباره با حربه "ملت کورد" و جنبش کردستان" به پای "آشبتال" و معامله و تسلیم با دولت مرکزی می روند.

بنظر من مهم ترین درس چهل سال اخیر تشخیص واقعیتهای ساده فوق است!، بنظرم دقیقا مانند چهل سال کل تجربه شکست و ناکامی قیام ۵۷ تا حالا در ایران باید این حدقل درسها را گرفته باشیم: اگر میخواهیم کارگران و زحمتکشان و مردم ستم دیده از همه ستمهای که بر او اعمال میگردد رهائی پیدا کنند نباید به دام دولتهای غربی، به دام جناحهای رژیم، و به دام هیچ حزب و جنبش دست راستی یا چپ نماهای دوباره بیفتند که خودشان توجیگر شرایط موجود بوده اند و در تحمیل این ناکامیها بر ما سهیم بوده و نقش منفی داشته اند. و یا خود بخش تفکیک ناپذیری از وجود ستم و خرافه گری ملی و مذهبی اعمال شده بر کل شهروندان هستند، و بجز سود جوئی، ذینفع بودنشان در تداوم و بقایای نظام ظالمان سرمایه داری، و تلاش برای سهم بری اقتصادی و شراکت در قدرت دولتی به دنبال هیچی برای "مردم" نیستند! هر ادعای غیر از آن حقایق ساده هزار بار تجربه شده بگویند مطلقا دروغ میگویند. گفتیم که کلمات تزیین شده "مردم"،

ملت،
"میهن"،
"خاک"،
"فرهنگ
ملی"، مذهب و
سنت" و
دیگر هذیانگوئی
های فریبکارانه
شان تنها و تنها
برای تحمیل
مردم و تحریک
و فریب آنها در
جهت رسیدن به
اهداف
ارتجاعی خود
بکار میبرند.
این مفاهیم هیچ
فرقی با
چرندیات زوزه
یک مداح،



روزه خوانی دروغین و خرافی یک آخوند، با سینه زنی و قمه کشی های شیعه مسلکان خاک بر سر امام حسینی ها، و یا با یک داعشی و سلفی- سنی مذهب کثیف و جانی ندارند. جامعه قربانی سیاستهای ارتجاعی این شیدان و حقه بازان فاسد دو دوزه باز سیاسی شده اند. تفاوتی در صورت مسئله نمیکند که اینها کورد زبان هستند یا فارس یا عرب یا ترک، یا مدال فریبکارانه هر "ملیت" دیگری بر سینه خود آویزان کرده باشند.

همه اینها محصول نظام ظلم و ستم و خون سرمایه داری اند. و کل دعوا و مرافه شان تنها و تنها بخاطر کسب سهم بیشتر برای خود و فرقه و جنبش شان است.

ادامه

نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیاناش!

یورش وحشیانه
جمهوری اسلامی به
جامعه کردستان...



در راس این حرکتها مهم نیست که آیا اسمشان منتظری، رفسنجانی، خامنه ای، خمینی، روحانی، خاتمی و ترامپ و شیوخ حاکم بر خلیج فارس قرار دارد یا عمو زاده هایشان به اسم مهدی، هجری، رجوی، پهلوی، و...!

اگر جامعه، از جمله جامعه کرد نشین

ایران، در بعد وسیع راهش را از این قماش و جنبشها و دولتهای ارتجاعی جدا کند و به جای آن به جنبش کارگری-سوسیالیستی، به آلترناتیو که ما سوسیالیستها ۴۰ سال است برای حل مسئله کرد و رفع ستم ملی نیز مبارزه میکنیم و آنرا نمایندگی کرده ایم روی بیاورند میتوان گفت از این چهل سال آزمون خوبی گرفته ایم و میتوانیم آینده بهتری برای خود و نسل آینده رقم بزنیم. بدون این انتخاب و آزمون هر نوع تلاش و مبارزه ای ناکام خواهد شد و آب در هاون کوبیدن است و درس عبرت نگرفتن از تاریخ. بدون این انتخاب و بدست گرفتن آزمون بهتر نه خبری از آزادی و حل معضل دیرینه ستم ملی خواهد بود و نه خبری از پایان جنایت و جنگ بین احزاب بورژوا-ناسیونالیست و شونیسم حاکم و حکومتهای جنایتکار مرکزی!

اما حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان و فرهنگیان و دانش آموزان و انسانهای مترقی را فرامیخواند که سیاست و راه حل و مبارزه ای انتخاب نمایند که ما طبقه کارگر و سوسیالیستها و حزب سوسیالیست انقلابی ایران آنرا نمایندگی میکند و همواره پرچمدارش بوده ایم.

بازنشر

منبع: نشریه سوسیالیسم امروز شماره ۱۰۷
۳۱ مرداد ۱۳۹۸



اگر جامعه، از جمله جامعه کرد نشین ایران، در بعد وسیع راهش را از این قماش و جنبشها و دولتهای ارتجاعی جدا کند و به جای آن به جنبش کارگری-سوسیالیستی، به آلترناتیو که ما سوسیالیستها ۴۰ سال است برای حل مسئله کرد و رفع ستم ملی نیز مبارزه میکنیم و آنرا نمایندگی کرده ایم روی بیاورند میتوان گفت از این چهل سال آزمون خوبی گرفته ایم و میتوانیم آینده بهتری برای خود و نسل آینده رقم بزنیم. بدون این انتخاب و آزمون هر نوع تلاش و مبارزه ای ناکام خواهد شد و آب در هاون کوبیدن است و درس عبرت نگرفتن از تاریخ. بدون این انتخاب و بدست گرفتن آزمون بهتر نه خبری از آزادی و حل معضل دیرینه ستم ملی خواهد بود و نه خبری از پایان جنایت و جنگ بین احزاب بورژوا-ناسیونالیست و شونیسم حاکم و حکومتهای جنایتکار مرکزی!

شونیسم و ملی گرایی و اسلام دو روی سکه یک طبقه و جنبش ارتجاعی اند!

جعفر عظیم زاده در اعتراض به انتقالش و آدم ربایی نهادهای امنیتی دست به اعتصاب غذا زده است

جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز یکشنبه ۲۶ مردادماه در اعتراض به انتقالش به زندان رجایی شهر که بدون اعلام و به شکل یک آدم ربایی سازمانیافته اتفاق افتاده است دست به اعتصاب غذا زده است.

عصر روز یکشنبه پزشک زندان با اعلام وخامت سلامت قلبی و ریوی جعفر، دستور اعزام وی به بیمارستان را صادر میکند. مأمورین جعفر را با خودروی ون زندان به مقصد بیمارستان طالقانی روانه میکنند اما او را به زندان رجایی شهر انتقال میدهند و هم اکنون در سلول انفرادی محبوس است. نه تنها جعفر بلکه دیگر زندانیان نیز اطلاعی از این امر نداشته‌اند و گرنه هم خود او و هم دیگر زندانیان در مقابل انتقال وی مقاومت مینمودند.

اگر انتقال جعفر عظیم زاده به زندان رجایی شهر قانونی است پس چرا به وی اعلام نشده است و انتقالش دقیقاً به سبک آدم ربایی صورت گرفته است؟ چنین پروژهای بدون شک از سوی نهادهای امنیتی برنامه‌ریزی و اجرا شده است تا بتوانند نقشه‌شان را درمورد جعفر اجرا کنند.

جعفر عظیم زاده در سال ۹۵ اعتصاب غذای طولانی ۶۳ روزه‌ای داشته و پس از آن با بیماری‌های متعددی ناشی از همان اعتصاب غذا دست و پنجه نرم میکند. اکنون نیز به بیماری کرونا مبتلا می‌باشد و جانش در معرض خطر بسیار جدی قرار دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران آدم ربایی نهادهای امنیتی برای انتقال جعفر عظیم زاده به زندان رجایی شهر را قویاً محکوم مینماید و به جامعه اعلام میکند که نهادهای امنیتی قطعاً قصد قتل او را دارند و چنانچه هر اتفاقی برای سلامت جعفر روی دهد یا مستقیماً توسط نهادهای امنیتی صورت گرفته است و یا تحت شرایطی روی داده است که نیروهای امنیتی از قبل برای آن سازماندهی کرده‌اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- ۲۹ مردادماه ۹۹

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان متری، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده‌های گسترده زحمتکش‌شان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را بخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، "آزادی برابری حکومت کارگری"،

"زنده باد برابری زن و مرد"، "نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"،

"نه به فقر و فساد و استثمار"، "نه به نیروی‌های مسلح حرفه‌ای و

ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"، "نه به

جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"، نه

قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"،

"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"،

"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و حزب"، "آزادی

بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"،

"پرداخت فوری دستمزد بالای زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"

"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم

پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"، ممنوع بودن هر شکلی از کار

کودکان"، "پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و

آماده بکار"، "زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"، "زنده باد

جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی" "زنده باد حزب

سوسیالیست انقلابی ایران"، "مرگ بر سرمایه داری"، "زنده باد

سوسیالیسم"، ...

جمهوری اسلامی ایران
سوسیالیست انقلابی ایران
www.simroz.org

درخواست عضویت از حزب



﴿ فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ﴾

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منطبقاً به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.

تاریخ...

امضا...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org



کارگران، زنان، جوانان، مردم آزادخواه!

توقف ماشین کشتار و اعدام این حکومت جنایتکار و وظیفه ما است. مقابله با آن، اعتراض متحدانه علیه آن، ویران کردن چوبه های دار بر سربرگذار کنندگان آن،

تف کردن به روی تماشاچیان الله اکبر گوی صحنه های اعدام، بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه انسانی، سیاسی و آزادیخواهانه علیه کلیت این نظام فاشیستی است که از روز اول با کشتار دهها هزار نفری زندانیان و مخالفین خود سر کار آمده است.

مجازات اعدام، با هر بهانه و دلیلی باشد جنایتکارانه است و باید محکوم شود و متوقف گردد. مخالفین اعدام، اگر مخالفین راستین اعدام هستند، نباید بر حسب "ملیت" و "نژاد" و "جنسیت" و غیره به محکومین به اعدام بزنند. اعدام انسان جنایتکارانه است! هیچ ربطی به "رنگ" و "ملیت" ندارد، منتسب کردن زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام به "کرد" و "فارس" و "بلوچ" و "ترک" و "عرب" اشتباه محض است. کسی که این اسامی و بر حسب ها را برجسته و علم میکند به اندازه نفس اعدام کردن انسانها مخرب و ضد انسانی عمل کرده است. این روایت به جنبش علیه اعدام آسیب میرساند و در راستای کمک به تداوم اعدام بخشی از محکومین به اعدام، و سکوت در مقابل بخش دیگری میباشد. در چنین حالتی امکان اعتراض کل مردم ایران به این پدیده وحشیانه را تضعیف و حتی منتفی میکنیم. اعدام ابزار طبقه حاکمه برای مرعوب کردن شهروندان است. همه طبقات ظالم و متکی به نظم سرمایه داری و ایدئولوژی ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی در جامعه به اعدام بطور کلی و اعدام و سرکوب مخالفین خود بطور اخص نیاز دارند. مخالفت با اعدام امر مردم و طبقه و جنبشی است که آرمانش برابری انسانها و هدفش طرد کردن و منزوی کردن موافقین و عاملین آن و پایان دادن به نابرابری و سرکوب و استثمار است. مقابله با اعدام و پایان دادن به آن امر مهم این جنبشها و انسانهای آزادیخواه و بیشماری است که میتوانند متحدانه علیه آن به میدان بیایند.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد سوسیالیسم!
نه به اعدام! نه به جمهوری اسلامی!

ادامه ←

سرنگونی که به پیروزی جنبش آزادیخواهی، کارگری و سوسیالیسم منجر نگردد، به درد ما نمی خورد!

تمام جنایتکاران تاریخ، تمام دولتمردان و حامیان سرمایه داری، همه نیروها و جنبشهای ارتجاعی، همه اسلامی ها و راسیستها و ناسیونالیستهای دنیا، برای سرکوب و فریب جامعه و زمینه سازی برای اعمال قدرت خود و سرکوب طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی به مزخرفات این کتابهای مملو از دروغ و فساد و جنایت همواره متکی بوده و هستند، هر چند خودشان هم میدانند آنچه که در دست گرفته اند یک تکه پاره کاغذ گندیده و پوچی بیش نیست!



همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

جمهوری اسلامی ایران، خرافات و جنایات عاشورای حسینی

مینا تهرانی

آنها را در نهایت فقر و محرومیت نگه داشته، وهم چنین با اعمال زشت و غیر انسانی قمه زدن و گل بر سر نهادن و زنجیر زدن‌ها موجب شیوع انواع بیماری جسمی و روحی و روانی شده و با چند وعده غذای نذری مردم عوام بیخبر از تمام کلاهبرداری‌های سیاسی و مالی چنان جوی در جامعه حاکم شده که عده ای مردم از بیکاری و اعتیاد و گرانی بی اعتمادی و نا امیدی و نبود آینده روشن به هر کار خلافی دست میزنند. دین و آئین گر چه امر کاملاً خصوصی افراد بوده، اما ما در ایران به عنوان رکن بقای حاکمیت و به عنوان حربه ای برای سرکوب فرهنگی و آزاد زیستن و آزاد فکر کردن با خرافه دین مواجه هستیم که رسماً از جانب دولت اعمال میشود. و هم چنین دخالتگری دین در حکومت و بهره گیری از آن در خدمت منافع سرمایه داران نتیجه اش وضعیت کنونی کشور شده است که کارگزارانش و بازنشستگان و کودکان کار و ۶۰ الی ۷۰ میلیون انسان در زیر خط فقر زندگی کنند.

بنظر من جامعه موظف است علیه مناسک عاشورا اعتراض کند. علاوه به جنبه خرافه بودنش همه این مراسمها به شدت آزار دهنده، ضد انسانی، وحشت آفرین برای کودکان است. در عین حال بسیار پر هزینه برای کشور است که اخوند و مداح و مساجد و مراکز دینی بطور رایگان همه ثروت کشور در اختیارشان گذاشته میشود تا این نمایش وحشی را به نمایش بگذارند.

به امید حذف خرافات از زندگی و فرهنگ مردم ایران که تنها با قدرت گرفتن ما کارگران و سوسیالیست‌ها ممکن میشود، و به امید بدست آوردن شکوه و احترامی که شایسته هر شهروند ایرانی با هر زبان و رنگ و نژادی که تنها با سرنگونی جمهوری جاهل و خرافه اسلامی مقدر میگردد.

زنده باد بی دینی! ننگ بر خرافه گری و خرافه پرستی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

جمهوری اسلامی ایران طی ۴۲ سال که از عمر ننگین و سراسر خشونت و ترور و غارت و چپاولش میگذرد، اکنون با وجود کرونا و با وجود ادعای "محاصره اقتصادی امریکا" به عنوان عامل فقر و کمبود مواد غذایی و گرانی، میلیاردها دلار را هزینه راه اندازه دسته های مخوف و ارتجاعی عاشورای حسینی کرده است تا بیش از پیش جامعه را در گرداب خرافه و دروغ و حماقت فرو ببرد و خود به حاکمیتش ادامه بدهد. در شروع عزاداری محرم و عاشورای حسینی نمیدانند چگونه با مردم و رویارویی با این دو معطل مذهبی - بهداشتی چه خاکی بر سرش بریزد. از طرفی با کسری شدید بودجه و "فروش نفت به مردم" و هجوم مردم در فضای اینترنت با انواع طنز و جوک روبروست، از طرفی افشاگری های پرویز فتاح و بعد مجبور به عذر خواهی کردن وی آنچنان فضای متشنج بوجود آمده که مردم نمی دانند دم خروس را باور کنند یا قسم حضرت عباس! در هر صورت ما می دانیم جمهوری اسلامی در کنار سرکوب مداوم به این نوع خرافه پرستی و رشد شیعه گری و قمه زنی استوار مانده و به همین خاطر همه سران ریز و درشت آن بر هزینه کردن برای آن پای می فشارند.

با دسترسی جامعه، از هر قشر و طبقه، به اینترنت دیگر نمیتوان با خرافات و اراجیفی که یک عمر مردم را عقب نگه داشته و به عناوین مختلف تمام حق حقوق آنها را زیر پا گذاشته و با برقراری مجالس عزاداری که کلی هزینه برقرار میکنند همیشه

به نظر من جمهوری اسلامی را با اعتصاب و اعتراض به تنهایی نمی شود از سر راه برداشت. انقلاب پیشروی ما کارگران و کمونیست‌ها بر شانه های خود آگاهی طبقاتی، تشکل و اعتصاب و اعتراض توده ای استوار است اما اگر این جنبش و قدرت و اعتراض در برابر این رژیم مشخص سازمان مسلح توده ای خود را نیز نداشته باشد و سازمان ندهد هزار بار هم اعتصاب کند و اعتراض راه اندازد به پیروزی نخواهیم رسید (پیروزی واقعی یعنی استقرار نظام سوسیالیستی و شورائی). جامعه ی ایران و طبقه کارگر و کمونیست‌ها در ایران فقط جمهوری اسلامی را سر راه خود ندارند بلکه مرتجعین مختلف و قوم پرستان و جریانات ارتجاعی و اوباش و گانگستر های مختلف هم هستند که در روند پروسه ی سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن قطعاً سر راه خود خواهیم داشت. دولتهای غربی و کشورهای منطقه نیز هستند که اگر احساس کنند زورشان میرسد دست رو دست نمیگذارند. مسلح شدن کارگران و آزادیخواهان یک امر حیاتی و جایگاه مهمی در مبارزه ما در ایران دارد که باید این فراخوان و درک این ضرورت در جامعه جا باز کند و تبلیغ شود. جامعه تشنه آزادی و رفاه باید متوجه شود که برای دفاع از امنیت و از آزادیهای خود و برای کسب قدرت سیاسی و خلاصی از دست این حکومت جنایتکار به چنین بازوی مسلحی نیز نیاز مبرم دارد.





«کارگران ایران برای افزایش دستمزدها به با خواسته اند»





دوستت دارم آخرین جمله اعدامی‌ها

در این تحقیقات مشخص شد لغت دوست داشتن نزدیک به 630 بار از دهان این محکومین به اعدام خارج شده است. محققان متوجه شدند محکومین به اعدام به طور متوسط این لغت را سه برابر لغت "متاسفم" به کار می‌برند که این نشان می‌دهد بسیاری از آنها هنوز هم معتقدند بی‌گناه هستند و به گناه‌کار بودن خود اعتراف نمی‌کنند.

ابزاری است در خدمت بقای حاکمیت و سرکوب سیاسی جامعه. احکام مرگ انسانها شنیع ترین شکل کشتن انسان است، و کاملاً خود سرانه صادر می‌شوند و به اجرا در می‌آیند. این مجازات بی بازگشت به ناگزیر به مرگ اشخاص بی‌گناه می‌انجامد و حقوق بنیادی انسان را پایمال می‌کند.

مجازات مرگ که به دروغ به عنوان "دولت مردم" به اجرا گذاشته می‌شود به کل این مردم نیز مربوط است که عکس العمل نشان دهد و بی‌تفاوت باقی نماند. مجازات اعدام قتل عمدی است که دولت با برنامه ریزی از پیش و با خونسردی مرتکب می‌شود. و شهرندی که در قبال آن ساکت و بی تفاوت است عملاً شریک جرم "دولت مردم" خواهد شد.

اگر عوامل زمینه ساز جرم و جنایت در هر جامعه ای از بین نرود هر قدر ان دولت به نیابت از جامعه از مجازات اعدام استفاده کند باز افراد دیگری مرتکب جرم خواهند شد و جای محکومین اعدام شده را خواهند گرفت. این دور سلسله ای که یک نفر می‌کشد و خودش کشته می‌شود نمی‌تواند از نظر انسانی اخلاقی و حقوقی عادلانه باشد و باید پایان پیدا کند. پیامد های اعدام برای خانواده ها و باز مانده ها زیاد است و آنها باید بار زیادی به دوش بکشند چه بسا بسیاری از افراد خانواده محکومین اعدام شده به مرور به سمت جرمی دیگر کشیده شده اند چرا که هم خانواده از هم پاشیده و هم اقتصاد خانواده ویران شده است.

حکومت ج.ا و یا کسانی که به نام کشور حکومت می‌کنند می‌توانند برای تحکیم اقتدار از خود به اعدام روی آورد اما اقتداری که در چنین شرایطی به دست آید فریبی بیش نیست مجازات اعدام نماد وحشت افرینی است و از این رو بیانگر ضعف اعدام در هر شرایطی نقض بنیادی ترین حقوق ادمی است. در برابر کلیه ی جوامع و تک تک شهروندان گزینشی وجود دارد گزینش نوع دنیایی که همگان از مرد و زن خواهان زندگی اند و آماده اند برای ان زحمت بکشند گزینش میان دنیایی که در ان دولت ها حق دارند به عنوان مجازات قانونی فرمان مرگ صادر کنند و دنیایی که بر پایه ی احترام به زندگی و حقوق انسان است دنیایی که در ان دیگر جایی برای اعدام نیست. به امید ان روز!

گفتگوی مینا تهرانی با سلام زیجی در باره

۱- سالگرد یورش جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد سال ۵۸
۲- اعتصاب ۶۵ روزه کارگران هفت تبه و اعتصاب
و اعتراض دیگر مراکز کارگری و دورنمای آن مبارزات
"رای نیوردن" طرح تمديد تسليحاتی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی
و سیاست سوسیالیستی در قبال این جدال خانوادگی سرمایه داران

[https://
www.facebook.
com/salam.zijji/
videos/3851849
798163578](https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3851849798163578)

مجازات قرون وسطایی اعدام باید از بین برود!

آثر کیمیا

زمان
تلاش
برای
لغو
مجازات
اعدام
در
سر تا
سر
جهان

فرا رسیده است. با گذشت زمان و به دنبال نتیجه معکوس و منفی داشتن دلایلی که بر لزوم لغو اعدام حتی برای دولتهای سرمایه داری و جنایتکاران حاکم "گواهی" می دهند انکار نا پذیر میشوند. در همه جا به تجربه می توان گفت که مشاهده ی مراسم اعدام تاثیرات ویرانگری بر شخصیت انسانی شاهدان بر جای می گذارد. تا کنون در هیچ کجای جهان نشانی از این دیده نمی شود که مجازات مرگ میزان جرم و جنایت یا خشونت ها را کاهش داده باشد.

این مجازات در کشورهای مختلف به شکل نا متناسبی علیه مخالفین دولتها و طبقه حاکمه و علیه تهیدستان یا "اقلیت قومی" یا "نژادی" مثل ایران به کار گرفته می شود و

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ می باشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

توجه: به همه علاقمندان اطلاع میدهم این بحث، که جمعه شب به زبان کردی در شبکه های اجتماعی ارائه گردید، مجدداً به زبان فارسی، (فردا) یکشنبه شب، دوم شهریور ۹۹ برابر با ۲۳ اوت ۲۰۲۰ راس ساعت ۲۲،۳۰ به وقت ایران و ۲۰ به وقت اروپای مرکزی ارائه خواهد شد.

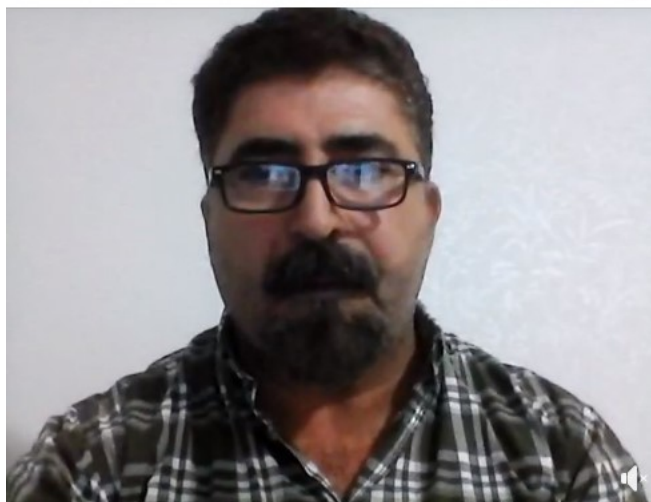
بحثی در باره اختلافات سیاسی و بحران درونی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومله) و پیشنهاد راه برون رفت سوسیالیستی از آن بحران

ارائه دهنده: سلام زیجی

مکان: بطور زنده در شبکه های اجتماعی فیس بوک و انستاگرام ،
در صفحه [salam zijji](#)

زمان: جمعه شب ۳۱ مرداد ۱۳۹۹ برابر با ۲۱ آگوست ۲۰۲۰ ساعت ۲۱،۳۰ به وقت ایران - ۱۹ به وقت اروپای مرکزی

بحثی در باره اختلافات سیاسی و بحران درونی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومله) و پیشنهاد راه برون رفت سوسیالیستی از آن بحران
ارائه دهنده: سلام زیجی... Visa mer



<https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3860740750607816>

اخراج و بیکار سازی موقوف!